



جلسه ۱۲۶

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۱۸ دی ماه ۱۳۱۱ - ۱۱ رمضان ۱۳۱۱

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ ریال داخله
خارجه ۱۲۰ ریال
تک شماره: یک ریال

مطبعه مجلس

مجلس شورای ملی - ۱۳۱۱

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۱۱ (۱۱ رهنان ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
 ۲) تصویب يك فقره مرخصی
 ۳) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای کثیر و وزارت معالی و تصویب آن
- ۱) شور دوم لایحه تذکره
 ۲) شور ثانی و تصویب لایحه اوزان و میاس ما
 ۳) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس هشت ساعت و پنج دقیقه از ظهر ریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه سیزدهم دیماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد

(۲- تصویب يك فقره مرخصی)
 رئیس - يك فقره خیر از کبسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود.

خیر مرخصی آقای صفاری
 نماینده محترم آقای صفاری برای رسیدگی بامور محلی نقاضای مرخصی از تاریخ ۱۰ آذرماه ۱۳۱۱ لغایت ۷ دیماه ۱۳۱۱ نود و دو عشر از مقرری این مدت را هم اختصاص باعانه فقرا دادمانند که بوسله کبسیون عرایض و مرخصی تقسیم خواهد شد کبسیون با نقاضای

** عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و ششمین جلسه از دوره هشتم تقذیبیه (مطابق شماره ۸ از ماه ۱۳۰۰)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: ثبوتی - میرزا میر محمد علی خان قاضی - حاج میرزا میرزا بیابان - امیر ابراهیم - آشتیانی
 مطابقتی و کلی - ارباب کبیسرو - دکتر فرمان - وکیل - فقیه - بنگدار - موخر - آفرزاده سیزدوی
 غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر امیر اعلم - استعدادی - رهبا - عبدالحمید خان دیا - درانی - حکمت
 حاج فلاحین ملک
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان: باسری - انصار
 دیر آمده بی اجازه - آقای همرائز

ایشان موافق و اینکه خبر آنرا تقدیم میدارد
 رئیس - اشکال چیست؟ (خیر) موافقت با سرخسی
 آقای ستاری قیام فرماید
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - مسووب شد. آقای کفیل وزارت عدلیه
 ۳- تقدیم یک فقره لایحه فوری از طرف آقای کفیل
 وزارت عدلیه و تصویب آن
 کفیل وزارت عدلیه - آقای مئین داتری (لایحه
 ایست راجع به مجازات نظامیانی که برخلاف حقیقت راپورت
 به مقامات مافوق خود میدهند و نباید دوقوربت تقدیم میشود
 که صوبت بفرمایند.

ساعت عزم مجلس شورای ملی شد باقیه ارکانه
 نظر باینکه گاهی از اوقات مستخدمین نظامی با هم
 ردیف آنها را برتهای برخلاف حقیقت به نام مافوق خود
 میدهند که مکن است منجر به حکومت اشخاص دیگر
 شود لذا ماده واحده ذیل پیشنهاد و نقضانی صوبت آن
 را بقید دو فوریت مینماید:

ماده واحده - هر یک از صاحب منصبان نظامی و
 هم ردیفان آنها و یا اعزاء و مستخدمین دوابر و قشمتی
 قشونی را برتهای برخلاف حقیقت به مقام مافوق تقدیم نماید
 و یا جریانی را مستور داشته و باطلاع مافوق رساند و یا
 جفاکاری را برده پوشی کرده و راپورت آن را با تغییر ماهیت
 قضیه به نام مافوق تقدیم کند و یا سعی نماید که حقایق
 بطور ناقص با اطلاع مافوق برسد بطریق ذیل مجازات
 خواهد شد:

۱ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و
 موجب اتلاف نفس شود مقرر مجلس مؤبد با افعال شاقه
 محکوم می شود و اگر اقدام یا عدم اقدام عمدی که منجر به
 محکومیت به مجازاتی غیر از اعدام شود مقرر بهمان
 مجازاتی که برای محکوم مزبور معین شده است محکوم
 خواهد شد لیکن اگر بدأ در نتیجه کتف حقیقت مجازات
 محکوم مزبور اجراء ننشود به مجازاتی که برای
 مقرر معین شده است بگذرد چه تخفیف داده خواهد شد

دوروت تعدد محکومین مجازات مقرر شد بدین مبنای مجازاتی
 خواهد بود که برای یکی از آنها معین شده است.
 ۲ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و
 منجر بانلاف مال شود مقرر مجلس بپاکر از بیک نامسهال
 محکوم خواهد شد.

۳ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده و
 هیچیک از نتایج فوق را نبخشد مقرر مجلس عادی از
 ۶ ماه تا ۲ سال محکوم میشود.

۴ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی بوده
 ولی منجر به محکومیت دیگری گردد مقرر مجلس عادی
 از ۸ روز تا دوسال محکوم میشود بدون اینکه مجازات او
 بتواند از مجازات خود محکوم بیشتر گردد مگر اینکه
 محکومیت غیر با اعدام یا حبس مؤبد یا اعدام شاقه باشد که
 در اینصورت مجازات مقرر حبس پاکر از ۲ تا پنجسال
 خواهد بود.

۵ - اگر اقدام یا خودداری از اقدام عمدی نبوده ولی
 منجر بانلاف مال شود مقرر مجلس عادی از ۸ روز تا
 ماه محکوم میشود.

رئیس - فوریت مطرح است
 جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست

رئیس - آقایانیکه با فوریت لایحه موافقتند قیام
 فرمایند (اکثر برخاستند) صوبت شد فوریت ثانی
 مطرح است. درآتم اشکالی نیست. موافقت قیام
 فرمایند (اغلب برخاستند) صوبت شد. ماده واحده
 مطرح است. آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - موافقت
 رئیس - آقای افسر
 افسر - بنده هم موافقت
 رئیس - آقای عراقی
 عراقی - بنده یک سؤالی میخواهم بکنم
 رئیس - بفرمایند

عراقی - چون اینجا نوشته است صاحبمنصب یا هم
 ردیف آنها خواست این هم ردیف را بدنام چیست؟

طباطبائی دینا - در قانون است
 مسعودیانی - باند توضیح بدهند

کفیل وزارت عدلیه - مقصود همان صاحبمنصبانی
 هستند که اوفبرم نظامی ندارند ولی رتبه شان مطابق
 رتبه صاحبمنصب نظامی است و همان جور هم حقوق
 بگیرند.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم درلایحه همیشه نوشته میشه
 مستخدمین کدوری چون این هم ردیف بنظر بنده گه
 زائد است با اینکه يك معنی دیگر دارد که آقای کفیل
 وزارت عدلیه شواهدند توضیح بدهند. یا صاحبمنصبان
 نظامی باید نوشته شود و یا مستخدمین کدوری چون
 عرض کند اساساً البته همه ما با لایحه موافقت برای
 اینکه بمقدّم بنده نه تنها از نظامی ها بلکه در غیر
 نظامیان هم اگر اشخاصی باشند که راپورت هائی برخلاف
 حقیقت بدهند که باعث اتلاف نفوس و مال مملکتی
 بشوند باید آنها شدیداً مجازات بشوند ولی در يك قسمت
 از این لایحه راجع باندام و عدم اقدام غیر عمدی بود
 بمقدّم بنده در اینجا مجازات معنی ندارد اگر کسی
 من غیر عمد یا اقدامی کرده باشم غیر عمد يك اقدامی کرد
 این را تقریباً مجازات را شنبه بهمان مجازات محکوم
 قرار دادن خلاف اصناف و عدالت است

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم اولاً کربا آقای دشتی
 چون لایحه طبع و توزیع نشده درست توجه فرمودند
 صحبت کدوری نبود. ماده واحده مینویسد هر يك
 از صاحبمنصبان نظامی و یا هم ردیفان آنها و یا اعزاء و
 مستخدمین درالر قشونی (دشتی - کدوری قشونت را
 عرض کرد) این در قانون عا کتات نظامی در آن جا
 معین کرده است (دشتی - یعنی اشخاصی که غیر نظامی
 هستند و در ادرات نظامی کار میکنند) این در قانون
 عا کتات نظامی است و اصطلاحات معلوم و معینی دارد
 اما در قیامت اینکه اگر اقدام غیر عمدی بوده و

مجازات نداشته باشد اگر اقدام غیر عمدی بوده ولی منجر
 به محکومیت دیگر گردد مقرر به حبس عادی از هشت
 روز الی دوسال. این دوروتی است که عمدی نباشد
 و اگر عمدی باشد که البته همان مجازاتی است که نوشته اند
 و بمقدّم بنده بهترین لایحه ایست که آمده است. شکایاتی
 هم که در ادارات کدوری میشود همین طور است شکایاتی
 که از مفتش میشود چون يك مفتش بکنتر را از کار معلق
 و بیکار میکند بکمال و دوسال هم عا کتات میشود و بعد هم
 ممکن است که برله شود ولی بآن مفتش هیچ مجازات داده
 نمیشود و البته این برخلاف عدالت است. وقتی معلوم
 شود يك مفتش اگر برخلاف راپورت داده مجازات میشود
 دیگر کسی اینطور راپورت نخواهد داد و بمقدّم بنده این
 بسیار لایحه خوبی است و خبلی باید تکرر کرد از دولت
 که این لایحه را آورده اند

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده مذاکره لازم صوبت این
 لایحه منظور هر کس است و حرفی ندارد ولی نکته را که
 آقای دشتی مورد نظر فرار دارند قابل توجه است زیرا که
 هیچوقت هیچ مؤلفی متوجه کسیکه عا کتات در يك عمل
 نبوده است و سوء نیتی نداشته است نمیشود قهرش
 بفرماید يك مأموری باید تشخیص بدهد فلان
 کار موضوع اقدام واقع شده در تشخیص آن مطابق دلایل
 موجود نظر دفتی نمیکرد و حال آنکه در نتیجه استدلال
 ممکن است يك کسی ثابت کند این است که اینجا باید وقتی
 رسیدگی میشود تشخیص شود که مأمور با سوء نیت این کار را
 کرده است یا در نتیجه بی احتیاطی کرده است والا کسیکه
 جاهل مطلق باشد در يك کاری و مسووب نباشد بنا بر این
 او را نینویان محکوم دانست بنابراین بنده عرض میکنم
 که این مسئله عدم عمد یعنی کسی من غیر عمد يك کاری
 کرده است با اقدامی کرده است این را خود آقای کفیل
 آنجورکه بمقدّم فرمایند درقوانین ما این مطلب با صل است دهر
 امری عا کتات بی احتیاطی کتف شد بکنوع مجازات دارد

و الا ای بختی می آید بنا مسئله را در نظر می گیرد و نمی تواند تشخیص بدهد که فوراً اطلاع بدهد یا براین بنده مقدم که آقای کبیل وزارت عدلیه موافقت بکنند که نظر آقای دشتی در این باب رعایت شود.

کبیل وزارت عدلیه - بنده متأسفانه بنابراین موافقت با این نظریه یا بکنم. البته بطور کلی در اصل عدم مجازات های یک طوری است که نمی شود منکر شد و مجازات قائم شد ولی بدینجهت چرجهای طوری است که قانون گذار غیر عمدش را هم نمی تواند صرف نظر کند اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند این شوروهالی که اغلب در خیابانها اشتخاص را زیر میکینند و میکنند هیچ قصد قتل کسی را ندارند ولی در نتیجه می احتیاجی البته باید مجازات شوند و همینطور هم در دوازده مرتبه های خلاف قانون که داده می شود یعنی براسای موافق که واپرت میدهند باید دقت بکنند که واپرت خلاف واقع داده نشود و لو اینکه عدمی هم نباشد. و لو اینکه عدمی که نباشد ممکن است باعث شرهای مالی و جانی برای آن طرف واقع شود و بنوریکه بنده متأسفانه این پیشنهاد را نمی توانم قبول کنم

رئیس - آقای البس موافقت؟

البس - عرض کنم که توضیح آقا در باب هم رویت معلوم شد البته نظامی ها در قسمت هستند بعضی هستند که داخل صف هستند و بعضی هم خارج صف هستند در مباشرت های فارذومات دقتیش و غیره مقصود از هر ذریضان آن قسمت های هستند که داخل صف لیستند ولی چیزی موافقت و مستندین و وزارت جنگ هستند مقصود ایست چون توضیح خواستند بنده خواستم توضیح بدهم ولی بعد از آنکه آقای کبیل توضیح دادند بنده عرض ندارم

رئیس - آقای طباطبالی دنیا

طباطبالی دنیا - این لایحه حقیقه است بهرین لوابیح است و بنده خیلی آرزو دارم که سایر وزارتخانه ها هم یک همسر لایحه تقدیم مجلس بکنند که نسبت به مستخدمین کثوری هم اگر واپرت خلاف واقع بدهند یک مجازات هالی بشود ولی در اینجا چیزی بنظر بنده مبرسد در یک

ماجت است قانون مجازات است و اگر تطبیق نشود با قوانین دیگری در صورتیکه شاید تطبیق بکنند یا بپسندیم مطابق قوانین اصول محاکمات عمل کرد این جا مورد ندارد قوانین موجوده فعلی این مطلب را تأمین کرده است.

دکتر طاهری - بسیار خوب اگر تأمین کرده است که هیچ **رئیس** - آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم که مدافعه آقای مؤید احمدی در لایحه کردند و بد جواب بنده فرمایشاتی فرمودند بنده را بهیچوجه قانع نکرد. عرض کنم که ایشان روی آن نکتتهائی که بنده موافق بودم اصرار کردند آقایان ننیدند که بنده عرض کردم که این لایحه خیلی خوب لایحه است و البته بهتر این است که غیر نظامی ها هم هم بنظر باشند و البته همه آقایان و کلام هم با این لایحه مراقتد کردند استدلال را در سخونی لایحه کردند بکلی غلط است دیگر برای اینکه وقتی همه موافق هستند و مخالفی هم نباشد چه استدلالی دارد دیگر که می بنده تکرار کنم لایحه خوبست عرض کنم که صحبت در این است که اگر یک شخص از روی غیر عمد یک راپورت داد و بنظرش رسید فلان فتنه فلان طرد است و در نتیجه یک کسی محکوم شد و بعدها یک دلال دیگری پیدا شد و معلوم شد که اشتباه کرده است یعنی غیر عمد بوده است در این قسمت دیگر چه مجازاتی دارد. بنده از همه آقایان می ریم که چه مجازاتی دارد؟ آقای جوری که آقای کبیل وزارت عدلیه توضیح دادند این قیاس مع الفارق است بهیچوجه موافقت نمیکند و اینکه شوقر از روی بی احتیاطی در حرکت از مومولی آدم است. است. پس اگر آدم کشته است مجازاتش این است که تادش برزد ولی نمی زند برای اینکه محکوم بجزر عمد است البته در یک موضوعی که معلوم شد که بکلی غیر عمد بود این دیگر مجازات کردن معنی ندارد.

تأذیه مجازاتی رهام که آقای مؤید احمدی فرمودند در جواب است و این طرد نیست و تدویر است. بنده می خوانم. لایحه بکمرته بیشتر خوانده نشده است و خاطر آقایان متوجه نشده است در قسمت چهارم اگر اقدایا بخوردی از اقدام عدمی بوده ولی منجر بمحکومیت دیگری کردد مقرر به مجلس نهادی از هشت روز تا دو سال

محکوم می شود بدون اینکه مجازات از بتواند مجازات خود محکوم بیشتر کرده مگر اینکه محکومیت غیر تمام مجلس مؤید با اعمال شاقه باشد که در این صورت مجازات مقرر بحسب پاکار از دو تا پنج سال خواهد بود. ملاحظه فرمایید یک شخص در تبعه راپورت غیر عمدی محکوم بعادم شد و آوقت آن شخص راپورت دهنده را میکوبند که از دوسال تا پنج سال به حبس با اعمال شاقه باشد و اگر راپورت از منجر به حبس با اعمال شاقه شده است و شش ماهه از حبسش گذشت باشد بد معلوم شود که اشتباه بوده است او را آزاد میکنند یعنی آن شخص محکوم اولی و ششای شش ماه حبس بوده است و کارهای شاقه هم کرده است اما این شخص که راپورت را داده باید از دوسال تا پنج سال حبس با اعمال شاقه باشد یعنی فرج زاده بر اصل باشد بنده متعجب می کنم که آقای کبیل وزارت عدلیه یک لایحه را باین طور آورده در مجلس

رئیس - آقای البس

البس - عرض کنم این مامور باین است که راپورت صحیح بدهد حقایق را بگوید این برای این است که در راپورت غلط داده ام از اینکه عمد باشد یا سحر. در راپورت دادن که عمد است یا مقصد در شرع او خواهد بود یا نخواهد بود یا ممکن است عمداً بخواند است که راپورت بدهد ولی در صورت این خواهد داشت چون این تخلف از نظامات کرده یعنی باید راپورت صحیح داده باشد و داده و این قسمت خیلی خوب است. اما اینکه آقای دنیا میفرمایند اگر کسی راپورت غیر عمدی داده باشد قضاتش بالاخر از این باشد یعنی محکوم باقتضای ابد از خدمت هم باشد گمان برعدالت است دور است اتصال ابد آن خیلی تند است می کنم خیلی تند است از قصاص شرافی که مبتنی برعدالت است و بنظر بنده این جور اکراهی است یعنی اگر حقیقت را نکتته و اگر این مقصود باشد البته نظر آقای دشتی وارد است

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقت

رئیس - مخالف دیگری نیست؟ (خیر) آقایانیکه باماده واحده موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. آقای وزیر داخله فرمایشی دارد؟
[۴] شور دوم لایحه تذکره
ولیر داخله - بمشی دارم اگر ممکن است لایحه قانون تذکره را مطرح بفرمایند.

غیر کمیسیون :

کمیسیون داخله با حضور آقای وزیر داخله در جلسات متعدد پیشنهاد آقایان نمایندگان محترم را راجع بلایحه قانون تذکره مورد شور و مذاکره قرار داده و در جلسه ۱۹ دیماه ۱۳۱۶ خبرنویزی لایحه قانون تذکره را بشرح ذیل تصویب نموده و اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میبارد.

فصل اول اطلاعات عمومی

ماده ۱ - تذکره مستدیرت که طرف معاهد ورین صلاحیت دارد برای تعیین نامیت و اجازه مسافرت اتباع ایران بممالک خارجه و اقامت در ممالک مزبوره یا مسافرت از خارجه بایران داده میشود
رئیس - ماده اول معهود موافقت دارند قیام فرمایند (خیر) آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم

ماده دوم - مامورین سرحدی ایران بویچیک از اتباع ایران بدون اراله تذکره قانونی اجازه خروج نتوانند داد
رئیس - اشکالی نیست موافقت باماده دوم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم

ماده سوم - به هیچکسی غیر از تیره مسلم ایران قیام تذکره ایرانی داده شود و صدور تذکره منوط بوجود استنادی است که هویت و نامیت ایرانی نقض نکند و اثبات نماید
رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

ماده چهارم - هر يك از اتباع ایران برای مسافرت به ممالک خارجه و یا اقامت در خارجه باید تحصیل تذکره نماید

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مفاد ماده اول این است که ایرانی هائی که از خارجه بایران مراجعت میکنند باید دارای تذکره باشند ولی در اینماده اشخاصی را که مجبور بداشتن تذکره هستند حفظ اشخاصی که از ایران مسافر خارجه هستند بامقدم خارجه هستند ذکر کرده خواستم پرسش توضیح داده شود که آیا اشخاصی که از خارجه مراجعت بایران میکنند برطبق مفاد ماده اول و ماده ششم که بد می آید آیا آنها باید تذکره داشته باشند اگر باید داشته باشند باید اینجا تصریح شود

ولیر داخله - راجع باشخاصی که در خارجه هستند و میخواهند بایند بایران اینها لابد از ایران رفته اند و تذکره گرفته اند آنها را ویرا میکنند مامورین اینکه مسلم است بموجب تذکره باید بروند اینکه اینجا نوشته شده مقصود آنهایی است که از ایران میروند آنهایی که از خارجه می آیند تذکره دارند ویرا می شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقت

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اینجا بعد ذکر میکند که باشخاصیکه در خارجه مقیم هستند مدت تذکرهها پنجسال است حالا اگر کسی در خارجه بود و مدت تذکره اش تمام شد آتوقت این دیگر ویرا نمی شود (یعنی از نامیت کان - تجدید میکند) خوب پس باید تجدید شود و باید تذکره مراجعت کنند به باویرا. ویرا در صورتی است که مدت تذکره باقی باشد وقتی که تذکره مدتش منقضی شد آتوقت ویرا نمی شود چون وقتی که تذکره منتهی باشد که نمی تواند ویرا کند

مخیر کمیسیون داخله - عرض کنم فرمایشی که ما بنده محترم فرمودند راجع است برض اینکه در خارجه اقامت داشته باشد و مدوموسی که میخواهد بایران بیايد

تذکره داشته باشد چون اصولاً بایستی تمام ایرانیانی که در خارجه هستند دارای تذکره باشند و البته يك ایرانی که در خارجه اقامت دارد حتی است که باید مطابق قانون تذکره داشته باشد حالا اگر برخلاف

قانون تذکره نگرفت خوب آن يك کسی است که بخلاف قانون کرده و مطابق شرایطی که در اینماده لحظه خواهد فرمود او يك همچو آدمی که در خارجه اقامت دارند و تذکره گرفته و تذکره خودش را تجدید نکرده است برایش يك مجازاتی مینماید شده است و آن کسی را که آقا فرزندش را میفرماید بر طبق ماده جزائی این قانون مجازات خواهد شد بینی علاوه بر قیمت تذکره يك مبلغ هم جریمه خواهد داد. پس ما فرض اشخاصی را باید بکنیم که مطابق نظامنامه رفتار کرده باشند اگر ایرانی است و میخواهد بخارجه برود باید تذکره بگیرد و اگر ایرانی است که در خارجه اقامت داشته و میخواهد بایند بایران آنها باید تذکره را که دارد ویرا کند و بایند بایران (دکتر طاهری - تذکره نامیت است) عرض کردم يك آدمی است که برخلاف قانون و مقررات رفتار کرده است و مشمول مواد جزائی این قانون خواهد شد.

رئیس - آقایانیکه باماده چهارم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود ماده پنجم - تذکره بر درویش است. تذکره عادی و تذکره غیر عادی

رئیس - اشکالی ندارد. (خیر) آقایان موافقت باماده پنجم قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم

فصل دوم - تذکره عادی

ماده ششم - اقسام تذکره عادی که بطور مطلق تذکره نامیده میشود و نمونه آنها برطبق نظامنامه مینماید خواهد شد بقرار ذیل است:

۱ - تذکره که برای مسافرت از ایران به ممالک خارجه

یا از خارجه به ابران داده میشود مدت اعتبار آن از تاریخ صدور تذکره یکسال و تا چهار سال دیگر یکسال بسال قابل تعدیل است و دارنده آن متعهدند که در مدت اعتبار تذکره بیش از یکبار مسافرت نمایند .

۲ - تذکره سرحدی که بسرحد چینان ایرانی برای عبور و مرور بین نقاط سرحدی ایران و نقاط سرحدی ممالک مجاور اعم از سرحدات خاکی باآبی، مطابق قرارداد های عبور و مرور سرحدی بین ایران و دول مجاور بایر حسب تصویب دولت داده میشود .

۳ - تذکره ابرایان بی بضاعت مقیمین خارجه که مدت اعتبار آن با رعایت مقررات فتره اول این ماده پنج سال است .

۴ - تذکره عملی که به عملین داده میشود و اعتبار آن تا اختتام دوره تحصیلی دارنده آن خواهد بود مشروط بر اینکه در انتضای هر سال با شاه مأمور ابران مقیم محل تحصیل باز دیگر محل برسد .

ولیس - آقای اعتبار - بنده در این قسمت تذکره که برای مسافرت از ابران به ممالک خارجه با خان خارجه بایران داده میشود عرض دارم . در اینجا متوسلیم که این مکن است تا چهار سال بعد باید شود تا چهار سال دیگر سال بسال قابل تعدیل است و دارنده آن متعهدند که در مدت اعتبار تذکره بیش از یکبار مسافرت نکند . این اگر تذکره اش چهار سال قابل تعدیل باشد بنده تفهیمم بطور میشود یکی دیگر راجع به عملین است . عملین که البته از اینجا میروند يك تذکره میگیرند و يك روزی هم میدهند و ویزا میشود و بالاخره روی آن جریان خودش میروند اینها سال بسال بایستی با مضای مأمورین برسد . تذکره ها که قبلا صادر شده و حالا در دست عملین است البته مدت ندارد يك تذکره مخصوص بوده تذکره عادی بوده که اینها گرفته اند و رفته اند حالا برای اینها چه صورتی ایجاد میشود آیا باید این تذکره عوض شود و اگر عوض میشود بچه صورتی است

خواستیم این را توضیح بدهند که بدلیل چه باید کرد .
وزیر داخله - عرض کنم که نظری هم اگر راجع به خرج تجدید تذکره عملین است عرض کنم که این تذکره هم بجای است و خیلی بسهولت تجدید میشود و سبزه خر میماند نیست .

ولیس - آقای دشنی
دشنی - سابقاً ما معروف از مسافرت خارجه بر میگفتیم دم دروازه یعنی اول سرحد ابران تذکره ابرام میدادند بنده ایدام میاید که بگفت از بنده ایدام میاید بخوزستان و فیکه بخوزستان رسیدیم تذکره مارا گرفتند حالا میخواهند که بنشینم حالا هر هفته باز این مکن - سخره بیاورم میخواهند در بیاورند و با اینکه اگر يك تذکره گرفتند میخوانند تا فیکال با آن مسافرت کنند این را آقای وزیر داخله تصریح میکنند در مجلس برای اینکه سابقاً هم راجع به تذکره ها میخوانند اعتبارش یکسال است آدم سفر میکرد قدم سرحد بین الزهرین و ابناطوری که عرض کردم پیش بیامد در مراجعت یکی دیگر میخواستم به آقای وزیر داخله تذکره بدهم راجع به تذکره ابرایان های بی بضاعت بنده است که مقصودشان چیست دنبال ابرایان های بی بضاعت نمایند های وزارت امور خارجه در خارجه رفتار خوبی نکردند از این جهت غالب از ابرایان هاند که نمیگیرند بواسطه تذکره گرفتن هم که کم بجه خارجه میشود دولت از این را میباید قدسش منتهی باشد عرض میفرمایید يك ابرایان که دوست تذکره تهیه کنند و توانست در سال يك عنوان پول تذکره بدهد و تجدید کند او را باید تذکره بجای بدهند این از نظر ثابت و ملب ابران بسیار مورد اهمیت است و در این تصریح شده است خوب است آقای وزیر داخله توضیح بدهند و چون در این لایحه هیچ تصریح نشده است خوب است آقای وزیر داخله يك توضیحی در این باب بدهند

وزیر داخله - این قسمت اولی را که فرمودند در سابق تذکره را در سرحد میگیرند بنده همچو اطلاع می دارم و البته لازم بود که بدان وقت تذکره میدادند که کیفیت تذکره معلوم شود برای اینکه این

امر عادی نبود بملایه حالا تذکره را در تحت قانون مایوریم و در تحت تنظیمات مرتبی مایوریم که تکلیف مایورین کامل روشن و معین باشد و اگر يك همچو قضایای بوده است يك امر افتائی بوده است دیگر هم اتفاق نتواند افتاد و اساساً هم عرض میکنم تذکره را هیچوقت در سرحد نمیگیرند نگاه نمیدارند مگر اینکه يك عیبی داشته باشد تذکره که در مدت اعتبارش دست صاحبش هست و بعد از آنکه از اعتبارش افتاد و مدتی گذشت دیگر از کسی نمیگیرند زیرا روجه اینست که اعتبار ندارد اما راجع به ابرایان بی بضاعت در این لایحه يك پیش بینی های کافی هست برای ابرایان بی بضاعت و لایحه را که اصلاح فرموده بنده برای ابرایان بی بضاعت که مساعدتهای که نسبت باقیه لازم است در این لایحه مخصوصاً عایشش بینی کردن سابقاً در این باب قانونی نبود مأمورین هم نمیتوانستند آنها را معاف کنند و یا با آنها مساعدتهای بکنند ولی حالا مخصوصاً پیش بینی کردم که معافی است بقدر هر کس ایرانی است و در خارجه است بتواند تذکره بگیرد و استفاده کند .

ولیس - آقای اعتبار - مذاکرات کافی است
ولیس - آقایانیکه باماده ۶ موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود
ماده هفتم - صدور تذکره عادی در داخله با نظامیه و در خارجه با مأمورین فونسلوی ایران و با مأمورین سیاسی عهده دار امور فونسلوی میباشد و در محل های که تطبیق باشد صدور تذکره با مأمورینی خواهد بود که دولت بانها اجازه مخصوص بدهد
ولیس - اشکال نیست (خبر) موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)
ولیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود
ماده هفتم - گیرنده تذکره برای مسافرت به ممالک

خارجه باید معادل میزان متوسط مخارج معاودت خود و همراهانش را از مقصد مسافرت تا محل صدور تذکره وجه نقد یا نهمه نامه بانك یا بانك تجارخانه معتبر دال بر تهیه مخارج ضرور دفتر صدور تذکره بطور ودیعه به نزد قبضش دریافت نماید که موافق بود وسیله مأمورین دولت ابران بصرف مخارج معاودت او برسد چنانچه صاحب ودیعه برای مراجعت محتاج باشد وجه ضرور افزود با مسلم کرده که اقامت دائمی در خارجه اختیار کرده با فوت شده ودیعه در مقابل قبض یاو با پوره اش مسترد میشود مأمورین دولتی و ابرایان که اقامتگاه دائمی آنها ممالک خارجه باشد و مصطلبی که قریب مسافرت آنها تابع مقررات مخصوص میباشد از سپردن ودیعه معاف خواهند بود

زائرین بیت الله علاوه بر ودیعه مذکور در فوق مبلغ ۵۰ ریال برای تأمین مخارج مراقبت های لازمه سعی و غیره که از طرف دولت بعمل می آید دفتر صدور تذکره باید بپردازند و قبض رسید دریافت دارند
ولیس - آقای طباطبائی دینا

طباطبائی دینا - در اینجا تصریح شده است که گیرنده تذکره برای مسافرت بخارجه باید وجه نقد یا ضمانت بانك یا بانك تجارخانه را داشته باشد بنده عقیده ام این است که این ماده با این ترتیب که هست اولاً اسباب زحمت مردم است در يك موقعی که جنبه حلال گیرنده تذکره مردد باشد البته صحیح است ولی اشخاصی که جنبه عایشان مردد نباشد و مأمورین صلاحیت دار در جنبه مالی آنها فرجه ندارند خودشان ثروت دارند و مخارج ایاب و ذهاب دارند البته نسبت باقیه باید مورد نظر مردم ندارد که این قید را بکنند ببقیه بنده بهتر است و اسباب زحمت مردم هم نخواهد شد

مجلس - قید این ماده از نظر تأمین مخارج مراجعت ابرایان مقیم خارجه است البته تصدیق میفرمایید برای حفظ حیثیات يك مملکت اشخاصی که میروند بخارجه بایستی وضعیت مالی آنها طوری باشد که بتوانند اگر مردمانه

زندگانی کند کارا دیده شده است يك اشخاصی با يك سرمایه های قبلی مسافرت کرده اند بخارجه و در آنجا سرمایه شان تمام شده است و با يك وضع بدی زندگی کرده اند این است که دولت مجبور شده است که این قید را در قانون بگذرد و اما اینکه مقررانید در قانون ذکر کنیم که هر تمام که استطاعت مالی داشته باشند که محل تردد نباشد بنده ملاحظه نمائیم اینکه يك اشخاصی دارای داشتن آنها ترید نمایند باید بطور محکم است که این را بگیریم و بدین بدست مقررانید که با هر کس که نظر خوبی داشته باشند او را صاحب ثروت شخصی بدهند و با يك اشخاصی که نظر خوشی ندارند بگویند خبر آقا دارا بودن ما عاجز دردمان و بیست و دو برود بلکه بنده عقیدم این است که این قید بسیار خوبست و هیچ ضرری نخواهد داشت و آقا هم موافقت فرمایند که ما اختیار را بدست اشخاصی ندهیم که هر روز اسباب زحمت مردم بشوند

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - در این قسمت آقای غیر محرم فرمودند که از نقطه نظر این است که اشخاصی که میروند بخارجه و بخارج مساوت ندارند در این جهت است البته این هست ولی بنده تصور میکنم که این قسمت را آقایان باید در نظر بگیرند و آن این است که اشخاصی که میروند بخارجه همه که بیاریس و لندن میروند که بواسطه يك آن پول همشان برسد بلکه بشهر های کوچک و دهات های کوچک که مسائل در آنجا با نیست و خیلی مشکل است تهیه مسائل این بخشنه چو این باید بکنند که پولش را بگیرد و بعد مسافرت بایران کند و بر گردد و در این يك قیدی جهتی است و بعقد بنده ضررش بیش از منفعت است از طرفی هم عقیده ام این است که ماده ۹ جای اینست که نوشته شود اشخاصی که طرف سوم تان واقع شوند نمیتوانند مساوت کنند مگر با دادن يك نامان این بهتر خواهد بود و الا کار بخوابد این مطلب را دعومیت بدهد این چیز غریبی میشود و بيك مشکلاتی بر میخورد که هیچ جاسوسی رعیت نمیکند که اقدام به آدمین مملکتان کند

بایستی بالاخره بر گردد بجای خودش و این پول را پس بگیرد و این يك کار غلطی است

مخبر - باید در نظر گرفت يك قانونی که تصویب میشود مبالغش زیاد تر از معارض باشد اگر در نظر آقا باشد که يك قانونی که تصویب میشود هیچ ضرر و نقصی در از نباشد این ممکن نیست این ماده هم البته بنده هم تصدیق میکنم که يك قید سختی است ولی باید دید که این سختی و تعقیب برای چیست و نتیجه که از این تعقیب گرفته میشود چیست عرض کرده ام این قید برای این است که اشخاصی که مسافرت میکنند باید وضعیت مالیشان طوری باشد وضوری زندگانی کنند که برای مملکت موهن نباشد اما قسمتی را که فرمودند که مقتضی است در ماده ۹ قید شود که اشخاصی که وضعیت مالیشان مردد است از آنها نامان گرفته شود نظر آقا هم بر میگردد همان نظری که بنده هم عرض آقای دبی فرمودند و البته تصدیق میفرمایند که اگر این قید را بخواهیم بکنیم و سابق عیده هست که هر کس میتواند خودش را متکفل قرداد کند بنابراین چون مسئله خجل اهمیت دارد ما باید این اصل را در نظر داشته باشیم که ایرانیانی که مسافرت بخارجه میکنند خیلی بایستی زندگیشان آبرو نمایند باشد و اگر يك تصدیقاتی هم بدین میشود برای حیثیات مملکت است و از نقطه نظر حساسی که این ماده دارد از این قسمت تعقیب هم صرف نظر فرمائید و اگر چنانچه آقا موافقت فرمائید که بعد از تجارخانه معین نوشته شود با دشمن معین ممکن است موافقت کرد و نظر آقا هم تأمین میشود

رئیس - آقای چهیدری

چهیدری - بنده موافقت

رئیس - آقای طهرانچی پیشنهاد کرده اند قسمت اول ماده ۸ حذف شود

طهرانچی - بیانی که آقای غیر محترم فرمودند بنده را قانع نمیکرد زیرا بنده ایراد این بود که اگر بنده رفته بخارجه در يك نقطه که وسيله نبود باید بگویم چه طریق

این پول را بمن خواهید رسانید که مساوت کنیم این را بمن بفرمائید این در عمل اسباب اشکال خواهد شد مگر اینکه بنده از آنجا بیایم بیکی از شهر های معلوم و از آنجا تکلیف کنم و مقیاری معلوم شوم و مقدار زیادی خرج کنم تا وقتی که پول خودم را بگیرم و ایسا نمی شود این را بهتر از قانون گذاشت

وزیر داخله - آقا میخواستند که با يك فرس خیلی بیدری يك اصل خیلی لازمی را از بین ببرند اینکه ما میگوئیم يك كلیه مسافرت نمیکند بخارجه البته مسافرت بجای است که همه چیز دسترس داشته باشد و اگر ما فکر کنیم که يك کسی مسافرت کند بخارجه و بجاگهی باشد که دسترس نه بنامان و نه بیانک و نه باهرو دولت داشته باشد این را تصدیق بفرمایند يك خیلی است شدید و باید الاحتیال است در مقابل ما يك اسلاری در نظر داریم که ایرانیانی که میروند بخارجه يك طرز آبرو بندی داشته باشند اگر کار دارند که البته وسائل را هم دارند و اگر يك اشخاصی هستند که کاری ندارند و آن بضاعت و استطاعت را هم ندارند ورود حلال این خیال شیعی است که آقا میفرمایند بنده بشما اطمینان بدهم که مورد تکراری پیش نخواهد آمد

رئیس - آقا اینکه با پیشنهاد آقای طهرانچی موافقت قیام فرمائید

چند نفر قیام نمودند

رئیس - قابل توجه است پیشنهاد آقای مؤید احمدی قرائت میشود

پیشنهاد میکنم در ماده اول فصل هفتم نوشته شود با قلم مقام او

مؤید احمدی - عرض می کنم که آقایان دوائل ما و مسافرین و ادارات را در نظر بگیرند که در پرداخت پول چه اشکالاتی میکنند اینجا صرفاً نوشته شده است ایسام کردن که اقامت دائمی در خارجه اختیار کرده و وسیله در مقابل قبض او داده می شود در

مالک او نقد اقامت دائمی در خارجه وارد مجبور بود و ماده شوی نموده این است که بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود و قائم مقام او و دسورت ورتن بوزنانش داده شود

مخبر - اشکالی که بنابنده عرض فرموده با این تفسیری که فرمودند در قسمت ورتن هم همین اشکال وارد است ولی قانون همیشه وکیل را در حکم وکیل می داند و این همه قوانین که ما درهم لاجتلاهی فرمایند در همه جا خود مدعی و مدعی علیه را نوشته اند دستور که جریان مجاز که هیچوقت باید مدعی و مدعی علیه نباشد و همیشه وکیل و قائم مقام در حکم است قید این مقام را بنده تصدیق میکنم که صحیح است و منظور هم همین است که اگر کسی اقامت دائمی در مالک خارجه اختیار کرد او خودش نیست که او بدهد البته نمایند او و قائم مقام او خواهد بود و هر کس که وکیل او باشد و از طرف او باشد و منظور از طرف کسی که فوت کرده و ورتن ورتن بیبسی است و ما از نظر قانون در این جا قید نکردیم و تصور میکنم که محتاج نباشد اگر بعنوان این قید را در اینجا بکنیم خیلی از موارد هست که در آنجا هم باید این قید را بکنیم دستورتی که لازم نیست و نظر دولت امثالاً تأمین میکند فکر آقا را که اگر خود شخص با ورتنانش نباشد قائم مقام او می تواند آن محل را بگیرد و آن کار را بکند

مؤید احمدی - باتوضیح که آقای غیر محترم داد اند نظر بنده تأمین شد بنابراین اسرار داد بکنم

پیشنهاد آقای طباطبائی دیا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بد از جباه همسالان خارجه نوشته شود دستوریک مأمورین صلاحیت دار لازم بدانند

مؤید احمدی - بنده برخلاف عقیده آقای طهرانچی با این ماده موافقت این ماده طوری تنظیم شده است که خیلی نافع است ولی آقای احتیاج زاده مختر محترم آن عرض بنده را سوء تفسیر فرمودند بنده عرض نکردم در قانون قید شود اشخاصی که جنبه مالیشان مردد است

پاکه عرض کردم ماورین صلاحیتدار اگر لازم باشد
وجه قد بگیرد و اگر نباشند بگیرد و این ماورین
چون هم بجل اعتماد دوت است و هم بجل اعتماد
بجس آن ماورین صلاحیتدار يك اشخاصی را که
میستند بیضاعت هستند و مرد هستند البته به آنها
تذکره ننهادند و این چنانچه ممکن است آقای وزیر
دائمه این را قبول کند و الا مسترد میگرد

معتبر - چنانچه عرض کردم اگر چنانچه با مترواحین
این پیشنهاد آقا را قبول کنند اسباب اشکال فراهم خواهد
شد زیرا هیچ ممکن نیست که بتوانند تشخیص بدهند که
بک آدمی دارائش بجل زود است یا نه و این اسباب
اشکال است این است که آقا خواهش بیکم مسترد
نمایند

طباطبائی دینا - بنده مسترد میگرد
ولیس - تبصره است بیکه از طرف دو نفر از
آقایان رسیده است فرات می شود:

بقام مبلغ دیات محترم دامت شوک. پیشنهاد بیکم
قبضه ذیل بدهم بنوع اضافه شود - اشخاصی که برای
تجارت برای مالجه بخارجه مسافرت می کنند از
سپردن وجهه یادان ضمانت معاف باشد. حسین طهرانی
حسین افشار

ولیس - آقای طهرانی
طهرانی - عرض کردم بنده نظرم از این پیشنهاد
این بود که در مسئله تجارت همه آقایان نظر دارند که
پایینی سهل کرد و هر قدر ممکن است اسباب سهولت
فراهم کرد که اگر کسی حقیقتاً برای تجارت میخواهد
مسافرت کند راه برایش باز باشد نتواند بیفروش
بماند و این چه زحمتی است خوب اگر یک کسی
تجارت میخواهد بنوع تجارت بخارجه سفر کند نایز که
بماند کند چنانچه بستی ها میکند یک کسی که واقف
بخواید بتوان تجارت بخارجه برود ما چرا این را
یک همچو قیدی برایش بگذاریم که در موقع گرفتن
تذکره وجهه بگذارد و ضمانت دهد و این يك زحمتی
است که ما برای تاجر فراهم بیکم مسئله دوم راجع
بهبرش است ممکن است یک کسی مرض باشد و به

اندازه پول دارد که بتواند خودش را مالجه کند و دیگر
نمی تواند يك وجهه سپارد و این وسایل دیگری فراهم
کند باین این ما چرا مانع شویم چرا جلوگیری کنیم
کسی ممکن است از اینجا برود پاریس آلمان فرانسه
برای مالجه و جان خودش را از خطر برهاند ما اگر
بخواهیم باز بگوئیم که وجهه بگذارد این وجهه ممکن
است اصلاً جانش از بین برود و تلف شود باز این
این چالاری است که ما بیکم البته این را تصدیق بیکم
کند مورد استدراج این را باید تحقیق کرد که این آدمی
که می رود برای تجارت می رود حقیقتاً یا اینکه بتواند
تجارت میخواهد برود گردش با بناورین دیگر با مرض
از بجا کند البته این را بایستی دقت کرد و البته بنده
تصور بیکم که در اینجا این تفرقه لازم است قد خود
که اگر چنانچه واقفاً برای تجارت یا مالجه می رود
بیشده بنده تفرقه ندارد که وجهه سپارند

معتبر - با لاجر و مرض بیکه قصد مسافرت دارد
مشول است و نمکن است پای بیضاعت اگر چنانچه آدمی
بخارجه می رود و دارای سرمایه و اعتبار کافی است
برای این شخص ضمیمی نیست که يك مبلغی برای بخارجه
مبادوست که وجهه بگذارد و اگر تاجر بیکه بیضاعت
ندارد و پول ندارد که مبلغی برای مخارج مبادوست
بگذارد بهتر این است که تاجر بیضاعت اصلاً مسافرت
نکند یا مرض البته مدت مرض مخصوصاً يك چیزی نیست
که بود پیش ونی کرد که این مرض در مدت یکماه -
ماه مالجه نمی شود پس کسی می تواند بدهد مالک خارجه
برای مالجه برود که بقدر کافی سرمایه داشته باشد
برای این آدم هیچ اشکالی نخواهد داشت که يك چیزی
هم وجهه بگذارد و چون ناظر این منظور مهمی است
بنده هیچ تصور نمی کردم که این پیشنهادها بشود باز
این خویش آقا هم موافقت فرمایند که داده بگذرد

ولیس - آقایان بیکه پیشنهاد آقای طهرانی و آقایان فرمایند
(چند نفر برخاستند)
ولیس - قابل توجه شد رای بیکم بدهم هشتم
آقایان موافقت قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

ولیس - سوئیب شد . ماده نهم .
ماده ۳۳ - با دخاس ذیل تذکره برای مسافرت از ایران
داده میشود .
الف - اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند یا تحت
ولايت و اقیومت میباشد مگر با اجازه کتبی ولی عاقل
بها - کاتبیکه بوجوب امر کتبی مقامات قضائی حق
خروج از ممالک ندارند .
ج - مشمولین نظام وظیفه مگر اینکه از طرف اداره
نظام وظیفه مجاز در مسافرت باشند

ولیس - آقای دینا
طباطبائی دینا - بنده باین ماده موافقت ولی میخواستم
يك تذکره بدهم در باب سن بارخ راجع بین بارخ در
قزاقین ما مختلف است در بعضی قزاقین ۲۰ سال است
بیشتر ۲۰ سال اینجام میدهد سال خوبست که دولت
بک تصدیق بجهت راجع بین بارخ اشخاص بیکم که در
تمام قزاقین این قدمت يك و بزران همینست داشته باشد
و باین اختلاف موافقت ندارد .

ولیس - آقای ولید احمدی
ولید احمدی - آقای دینا در کپیون عدلیه بتربیف
دارند و میدانند که اخیراً آقای وزیر عدلیه برای بارخ
لایحه پیشنهاد کرده که شور اولش هم تمام شده (دینا -
اورشد است) که باین جهت است فرق میکند و وقتیکه سوئیب
فرمودید تمام قزاقین از زوی همین خواهد شد و آن هم
هیچچه سال است .

ولیس - آقای امیر بیور
امیر بیور - عرض میکنم این قدمت ماده ۹ صریح
نیست بنده نمی فهمم مقصود اینرا بیکه نوشته شده است بوجوب
امر کتبی مقامات قضائی این را که سوئیب چه تعبیر
کرد بجهت مقامات قضائی آیا قاضی میتواند بگوید بوجوب
چکم بیکم بیکم البته اگر طبق چکم بیکم است بنده
موافقت و الا صرف امر کتبی مقامات قضائی بنده مخالف
و عقیده ام این است که حذف شود .

معتبر - اشخاصی که بوجوب امر کتبی مقامات قضائی مستحق
هستند معاف و اشخاصی هستند که از طرف مستظلمین مستحق تعاقب
فرار کرده اند و التزام داده اند بیکم هستند تا باینکه امر
از حوزه قضائی مستظلمین خارج نشود .
ب - اشخاصی که مستحق تعاقب از آن حوزه خارج شوند و بطریق
اولی از ممالک هم نمیتوانند خارج شوند و تذکره بانها
نمیدهند با ممکن است بوجوب چکم بیکم باشد اینست
که عبارت طوری نوشته شده که هم شامل بیکم باشد هم
شامل مستظلمین اخیراً هم بوجوب قانون اختیاراتی بیکم
عمومی و معاین عمومی داده شده است بیکه آنها هم
قابل مقام مستظلمین میشوند و ممکن است حکم بدهند این
است که بجهت طوری نوشته شده است که جامع باشد که هم
مقاماتی را که صلاحیت دارند شامل باشد
ولیس - آقایان بیکه ماده نهم موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

ولیس - امیر بیور شد . ماده دهم فرات میشود
ماده دهم - ترتیب دستور تذکره جمعی اعزاء و اجزاء
کتباً بر طبق نظامنامه معین میشود .
ولیس - اشکالی نیست (غیر) موافقت با ماده دهم قیام
فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)
ولیس - سوئیب شد . ماده یازدهم فرات میشود
ماده یازدهم - برای يك خانواده (زن و شوهر و باهر يك
از آنها) با اولاد کتر از ۱۸ سال میتوان يك تذکره صادر
نمود و حداقل قدمت يك تذکره در یافت بجهت دستور تذکره
علیه هم برای زوج به تنهایی یا با اولاد کتر از ۱۸ سال
منوط با اجازه زوج خواهد بود .

ولیس - موافقت با ماده یازدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)
ولیس - سوئیب شد . ماده دوازدهم فرات میشود
ماده دوازدهم - با ایرانیانی که در خارجه مقیم و مشمول
نظام وظیفه میباشد برای توقف یا مسافرت در خارجه

تذکره وزیرا داده نموده شد و مأمورین ایران بساند باها شهادت نامه بجائی فقط برای مراجعت بایران بدهند مگر اینکه روفه معاینات از خدمت نظام داشته باشند همچنین مأمورین ایران در خارجه در مواردی که وزارت امور خارجه اجازه بدهد برای معاونت امین دولت شاهنشاهی به ایران شهادت نامه بجائی صادر خواهند نمود.

ولیس - آقای دکتر طاهری

قسمت اول ماده واضح است لیکن از همچنین مأمورین ایران در خارجه در مواردیکه وزارت امور خارجه اجازه بدهد بنده بلشت ندم که مقصود چیست خوبست و خبر با آقای وزیر داخله یک توضیحی بدهند ماده ۱۲ میگوید اگر مشمول نظام وظیفه باشد ایرانیان مین خارجه تذکره روزی با آنها داده میشود و فقط شهادت نامه می دهند مأمورین ایران که برکند بایران همچنین مأمورین ایران در خارجه در مواردیکه وزارت امور خارجه اجازه بدهد برای معاونت بایان دولت شاهنشاهی بجائی صادر خواهند نمود اصلا معنی ندارد این عبارت اخیر و ابتدا با قسمت اول ارتباطی ندارد

ولیر داخله - مقصود این است که آن تذکره وقتی در دست باشد بیهه جا دشمن میتواند مسافرت کند ولی شهادت نامه مخصوص مسافرت از یک نقطه بنقطه مخصوص است خود شهادت نامه درش مطلب نوشته میشود و این در دست یک کسی است که از یک جای بخصوص بیک نقطه و یک مقصد معینی مسافرت میکند ولی در تذکره بطور عموم است تذکره وقتی به موجب این قانون در دست هر کسی باشد بطور عموم است و همه جا میتواند برسد پس یک روفه مخصوص است برای روانه کردن یک کسی از نقطه بنقطه معینی و همچنین در هر مورد دیگری که صلاح باشد نظیر این مورد مأمورین وزارت امور خارجه میتوانند شهادت نامه بدهند

دکتر طاهری - پس باید کلمه دیگری نوشته شود الا این نسبت ندارد با قسمت اول بنویسند در موارد دیگر که الی آخر

ولیس - آقای بیکه با ماده ۱۲ موافقت دارند قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

ولیس - تصویب شد. ماده ۱۳ قرائت میشود

ماده ۱۳ - ایرانیانی که بممالک خارجی مسافرت با بایران مراجعت میکنند بسانتنامه اشخاصی که در نقاط سرحدی اقامت دارند و در نقاط مزبور عبور و مرور میکنند باید برطبق نظامنامه تذکره خود را لدى ورود یا خروج مراجعت بوزاری نمایند ایرانیان برسانند

ولیس - موافقت با ماده ۱۳ قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. ماده ۱۴ قرائت میشود

ماده ۱۴ - وزیری تذکره ها و اوراق اتباع خارجه که قصد مسافرت بایران را دارند باید مقرران قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تصویب ۱۹ اردی بهشت ۱۳۲۰ می باشد و قیمت وزیری هر یک بر طبق ماموران قیامت می شود.

ولیس - موافقت با ماده ۱۴.

دشمنی - بنده اجازه خواستم.

ولیس - بفرمایند.

ولیس - بنده میخواستم از آقای وزیر داخله سؤال کنم که آیا ممکن است بجای کلمه وزیر کلمه دیگری بنویسند که کلمه خارجه نباشد این نظر بنده خیلی میبوست است خوب است بجای این یک کلمه بآزید یا امنا یا یک همچو چیزی بگذارند

ولیر داخله - عرض کنم که کلمه وزیر یک کلمه بین المللی است و این نوع کلمات در تمام زبانها هست حتی در زبانهای که خیلی هم غنی و کامل است از این قبیل اصطلاحات دارند مخصوصاً زبان فرانسه که زبان بین المللی است باین اثر این موردش حالا نیست ممکن است باین اصطلاحاتی را بعد درش مطالعه کرد و یک عبارت رایس و فارسی که معنی به بنشد تبیین کرد و نوشت ولی حالا خواهش می کنم موافقت بفرمایند (صحب است)

ولیس - آقای روسی.

روسی - عرض کنم که آقای وزیر داخله یک وقتی توید دادند که سی کتنگ که در لوابح که میاورند الفاظ خارجی نباشد و همین الفاظ ایرانی باشد ما هم بپوش خودمان از ایشان تشکر کردیم. و این اعتراض آقای دشمن خیلی وارد است زیرا که ما کلمات بین المللی خیلی زیاد داریم ولی الزام نداریم که از زبان خودمان حرف زبیم میدانند بنویسند بآزید و بد بین اولین (وزیرا) بنویسند و لازم نیست که کلمات اجنبی در ضمن قانون بچامه تحصیل شود

ولیر داخله - در لوابح ما اتفاقاً الفاظ خارجی کم پیدا می شود (صحیح است) و یکدفعه هم مذاکره شد البته بنده هم کمال موافقت را دارم ولی تصدیق می فرمایند که این اصطلاحات باید و فکر و مطالعه حل شود بنابراین که در حین گذشتن یک ماده اینجا ما مذاکره شویم این شاید بی مورد نباشد و البته شاید بعد بنوایم این تذکره بهتر می یابیم اما حالا خوب است همینطور موافقت بفرمایند بگذرد بعد بموقع خودش تفسیر میدهم (صحیح است)

ولیس - آقایانی که با ماده ۱۴ موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. ماده ۱۵ قرائت میشود.

ماده ۱۵ - هرگاه مأمورین ایران در خارجه تذکره و شهادت نامه را که در دست بعضی از قاضا کنندگان وزیر میباشند برسمیت نزنند در موردیکه برای ورود آنها بایران نوعیتی نباشد شهادت نامه مخصوصی برای مدت معین مطابق نمونه که در نظامنامه تبیین خواهد شد به آنها خواهند داد.

ولیس - آقای طباطبائی دبیا.

طباطبائی دبیا - در این ماده بنویسند که مأمورین ایران در خارجه تذکره و شهادت نامه که در دست قاضی کنندگان وزیر می باشد برسمیت نزنند. بنده بخوام آقای وزیر داخله یک توضیحی بدهند که اگر کسی یک

تذکره دارد و مأمورین ایران هم آن را برسمیت نمی شناسند باین شخص بطور اجازه ورود بدهند؟

ولیر داخله - عرض کنم که راجع بیک مورد و یک مالکی است که مأمورین ما اگر خیلی بداند باشند بپوش قانون عبور و مرور بایران آن واردین را که از اهل آن ممالک خارجه هستند راه میدهند ولی تذکره مرتبی آنها در دست ندارند باین جهت برسم قانون عبور و مرور به آنها اجازه ورود میدهند بدون مراسم و وزیرا.

ولیس - آقای ماهرانچی.

طهرانچی - عرض ندارم.

ولیس - آقایانی که با ماده ۱۵ موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

ولیس - تصویب شد. چند نفر از آقایان به بنده یاد داشت دادند که چند دقیقه تقص داده شود اشکالی ندارد (عده از آقایان - صحیح است)

چند نفر از آقایان - چرا؟

ولیس - تقص طرف رغبت اکثریت بوده (صحیح است) ما با اجازه یک ربع تقص میدهم بده می آیم و کار میکنم (صحیح است)

(در اینموقع جلسه برای تقص تعلیل و پس از ۲۰ دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

ولیس - ماده ۱۶ قرائت میشود.

فصل پنجم - تذکره غیر عادی - تذکره سیاسی - تذکره مخصوص

ماده ۱۶ - مدت اعتبار تذکره سیاسی تاخاهه مأموریت دارند آن خواهد بود و برای مأموریت جدید قابل تجدید است صدور تذکره سیاسی فقط با وزارت امور خارجه و مأمورین سیاسی ایران مقیمین خارجه می باشد

ولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم توضیح داده شود که این تذکره که اینجا اسم برده شده است امتیازش اینچیز است؟

وزیر داخله - در قانون لایحه میگرد که از این تذکره ما میگوید که هر نوع تذکره چه موردی دارد و چه اشخاصی داده می شود میگوید تذکره سیاسی و مخصوص و غیرعادی تذکره عادی را که گفتیم حالا در فصل پنجم تذکره غیرعادی و تذکره های فوق العاده و آن قسمتی می شود بود نوع یکی تذکره سیاسی است یکی تذکره عادی است آنهم مبین است مواردش که چه اشخاصی داده می شود.

ولیس - آقایان! که با ماده ۱۶ موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

ولیس - تصویب شد. ماده ۱۶ قرائت می شود.

ماده ۱۷ - بطاق ذیل تذکره سیاسی داده می شود:

- ۱- اعضاء بلافضل خانواده سلیت اسم از ذکور و اناث
- ۲- وزیر دیار پهلوی و خانواده او
- ۳- مأمورین سیاسی و ژنرال قونسولها و قونسولها و روس قونسولهای روسی و خانواده آنها
- ۴- وزراء و رؤساء مجلسین و خانواده آنها
- ۵- اشخاصیکه از طرف دولت زد دولت دیگر پادشاه روسی وین المللی بمأموریت مخصوصی اعزام می شوند

ولیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقت

ولیس - آقای بوشهری

بوشهری - خواستم سؤال کنم مقدمه از خانواده چیست توضیح بدهند

طباطبائی - در ماده ۱۱ توضیح داده است

وزیر داخله - خانواده که عرفاً مبین است عبارت است از زن و اولاد و البته اقربای بلافضل نزدیک هم که همراه باشند جزو خانواده محسوب می شود ما نمی توانیم تمام این ها را این جا بشماریم این یک قاعده دارد که عیال معلوم است و عرفاً هم معلوم است علاوه در ماده ۱۱ هم ذکر می آید خانواده شهادت (بوشهری - آن راجع به تذکره جمعی است) ملی بقصد ترفی

نموده است آنجا ولی خانواده همین است عرض کردم زن است و اولاد و مادر و خواهر اگر همراه باشد اینها خانواده است

ولیس - آقای وکیل

مطلب احمدی - بنده هم توضیح میخواستم در همین قلمر دوم و سوم و چهارم که عرض آن اشخاص است در حین انتخابان یا اگر از آن شغل هم دریاخته شد این تذکره به آنها داده می شود؟

وزیر داخله - خیر این سمت است.

ولیس - آقای عراقی

عراقی - در اینجا تذکره را سه جور نوشته است در صورتی که مطابق توضیحی که آقای وزیر داخله یادند تذکره واقعاً دو جور است یکی تذکره عادی و یکی هم تذکره سیاسی در این جا سه جور قلمت کرده اند تذکره غیرعادی - تذکره سیاسی - تذکره مخصوص این تذکره مخصوص مطابق آنچه که بدرماده ۱۹ مبرم می آید اشخاصی قابل شهادت و ملازم دولت که فعلاً وزیر هستند و این جور اشخاص بنده خواستم اول این جا عرض کنم که این تذکره مخصوصی مثل این است که ما وضع مخصوصی کرده ایم در این جا یک لایحه را که آقای روحی ایراد می کرد که مثل اجلی است بعد با آقای وزیر داخله فرمودند (آن منی البانی است و هنوز موافقت نکرده ایم) ولی این جا وضع لغت شده است در هیچ جا تصور نمیکنم که این تذکره مخصوص سابقه داشته باشد. تذکره عادی و تذکره سیاسی. تذکره عادی همین است که شهادت شده و تذکره سیاسی همان است که شماره شده بعد آمدند این جا کمسیون و آقای وزیر داخله یک تذکره مخصوص هم قلمت شده اند که مزایای تذکره سیاسی را ندارد قلمتاً برای اینکه اگر میداشت عنوانش می شد سیاسی و مثل تذکره عادی است فقط قانونی که دارد بنظر بنده این است که آن کسانی که عنوان تذکره مخصوص بوشان تذکره میدهند شاید در سرحد بعد از اینکه تمام کلکهایشان تمام شد آزان یک سلامی هم بپوش بدهند و رد شود و الا چیزی نیست که ما بتوانیم با شویو بیایدیم تذکره مخصوص

چه مزیتی دارد؟ پس این موضوعی ندارد که ما بنام تذکره را به قسمت تقسیم کنیم و آنهم یک عنوانی حقیقتاً خیلی خنده آمیز است تذکره با عادی است یا سیاسی است این را اگر بعنوان تذکره عادی بپنداریم متبر بود این است که حالا بنده پیشنهاد هم تقدیم مقام ریاست می کنم که این تذکره مخصوص را لغت سازیم

ولیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - در این ماده محکم مجرم بنده مخالفی نکردند اشکالشان راجع بعنوان تذکره مخصوص بود که در ماده دیگر است نسبت باین ماده اگر مخالفی هست بنده موافقت

ولیس - آقای خواب

قواب - فقط بنده خواستم بگویم اینکه در اینجا نوشته است وزیر دیار پهلوی و خانواده او بنده بنده در قانون اساسی ما که همچو شکل مخصوصی نیست نمی شود نوشت شخص اول دیار را برای اینکه همچو نمی در قانون اساسی ما نیست (نابندگان - مانی ندارد)

ولیس - آقای روحی

روحی - بنده در این ماده عرضی ندارم.

ولیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - این تذکره را این جا آقای خواب بنده دادند ولی بنده مجال نکردم که توضیحی بدهم بنظر بنده این اشکال وارد نیست زیرا وجود وزیر دیار و دیار از لوازم لایحه وجود شاه است (صحیح است) با بر این نظر اینکه در بودجه های مصوب هم وجود این مؤسسه تصدیق شده است و اعتبارش هم تصویب شده است بنابر این سستی هم محفل ثانی نیست

ولیس - پیشنهاد آقای دشتی در این خصوص قرائت میشود

پیشنهاد آقای دشتی:

بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل بماده ۱۷ اضافه شود: نمایندگان مجلس شورای ملی در دوره نمایندگی و رئیس دیوان نیز (صحیح است - صحیح است) در خارج هم در صورتیکه تذکره سیاسی دست آن

اشخاص میلی که نسبت آنها این سند را ایجاد نکند اگر باشد ممکن است که هیچ مورد توجه واقع نشود و هیچ ترتیب اثری به آن داده نشود باین جهت است که آن اشخاصی که می‌توانند تذکره سیاسی دارا باشند فقط آنها را ذکر کرده‌اند و دیگران که ذکر نشده‌اند آنها را هستند که برایشان لازم نیست از قلمه نظر ست و شغل و وضعیت و رسیدن لزوم ندارد بنابراین هیچ نظر دیگری در تنظیم این ماده نوده است و چنانچه ملاحظه فرمایید خیلی از طبقات مستخدمین و حتی معاونین وزارتخانه ها هستند که درجه از این طبقه تذکره سیاسی ذکر نشده‌اند و در این مطلب ساده هیچ بنده تصور نمیکنم که چون دیگری فرض شود یا عنوان دیگری فرض شود فقط از قلمه نظر اصول است در این موقع هم یک توضیحی در مقابل وایات آقای عرفانی عرضی کنم که فرموده چرا تذکره مخصوص بنده است و مقصود از آن تذکره سیاسی که یک اشخاصی غیر از سرفرا و آن مقاماتی که لازم دارند داده شود چیست غیر از آن عنوان احترامی است که در باره آنها باید ملحوظ شود دولت هم در نظر گرفت که برای اشخاصی که از این طبقات است تذکره غیر عادی لازم دارند و باید ایشان یک تذکره خاصی داده شود و تحت عنوان سیاسی نمی‌شود به آنها داد چون عموم یک تذکره مخصوص قابل بشود در همتی جاهاهم هست برای عنوان شریف و احترام آنها و آن تذکره هم قیمت ندارد و آن هم دلیل احترام و اهمیت تذکره است و الا از حیث ارزش در خارج چه تذکره سیاسی و چه این تذکره اگر در دست اشخاصی باشد که وضعیت و سمت آنها ملازم ندانند باشد با آن تذکره یکسان است باین جهت بنده تصور نمیکنم که این قضیه هیچ مورد اشکال نیست و اگر توضیح دیگری هم لازم است برای آقایان عرض کنم برای اینکه آقایان بدانند که فقط از قلمه نظر تنظیم و حفظ اصول است که این طور طبقه بندی شده است

دستی - بسته بنظر مجلس است
روحی - اجازه هم فرمایید سایر پیشنهادات هم فرمائید شود

واحد مقیاس - من = سه کیلو
سنک = یک دوم من (۳۰۰ گرم)
پار سنک = یک سوم من (۳۰۰ گرم)
درم = یک چهارم من (۳۰ گرم)
گرم
دسی گرم

شانی گرم
چلی گرم
قیراط = ۲ دسی گرم
اشخاص - غرور = صد من (۳۰۰ کیلو)
مقیاس حجم
واحد مقیاس - متر مکعب
اجزاء
دسی متر مکعب
سانی متر مکعب
میل متر مکعب
واحد مقیاس حجم برای مایعات
لیتر = یک دسی متر مکعب
بصره - دولت متبذول لدی الاقتضاء بر اساس مقیاسهای فرقه وزنه های دیگری تهیه نموده و در دست رس عموم بگذارند.

به نمایندگان مجلس شورای ملی می‌توانند تذکره سیاسی بدهند

رئیس - با پیشنهادات دیگر ارجاع میشود بکمیسیون [۳- شورگانی و تصویب لایحه اول و مقیاسها]
رئیس - آقای رئیس تجارت مدتها است با نظارت تصویب لایحه اول و مقادیر امرار وقت میکنند. ماده اول این قانون سابقا متعین بود ولی ایشان آنها بدعا اخلال دادند که در ماده اول که موضوع نظر آقایان بوده است طرز فکر دیگری دارند که در موقع خودش عرض می‌فرمایم خواهش رسید (صحیح است) ماده اول قرائت میشود:
ماده اول - اوزان و مقیاس های رسمی ایران برقرار ذیل است:

واحد مقیاس - من = سه کیلو
سنک = یک دوم من (۳۰۰ گرم)
پار سنک = یک سوم من (۳۰۰ گرم)
درم = یک چهارم من (۳۰ گرم)
گرم
دسی گرم

اشخاص
دسی متر مربع
سانی متر مربع
میل متر مربع
رئیس - آقای الفس
الفس - البته يك نواخت شدن يك قريب شدن مقیاس ها از چیزها نخیل لازم است و قبل از اینکه ماها این فکر را بکنیم چنانچه ملاحظه میفرمایند غلزان خان در شصت سال پیش موفق شد که من لریز را ایجاد کند و من لریز یکی از مقلدان ویکی از مقلدان هم که

برخورده اند لویج اولزان بود که موفق شدند و غلزان اولزان مختلف در مملکت مثلاً در خراسان بیشتر است ۷۶ نوع من هست وزن هست که شماره آن بیشتر باعث طول کلام میشود اگر عرض کنم تقریباً دویست و پنجاه چور در تمام مملکت هست صدیق فرمایند ما در دوره پنجم زحمت کشیدیم بر حسب پیشنهاد دکتر و کمیسیون کردیم شش ماه تمام کمیسیون داشتیم بالاخره مطابق اصول متری قبول کردیم و يك قانون هم برای آن گذرانندیم و قانونش را هم می اعلان کردند که امروز اجرا میشود و فردا اجرا میشود و چند سال طول کشید و اوزان را درست نکردند بعد قانونی اخیراً پیشنهاد شد و در اطراف آن خیلی صحبت شد که اگر بنا باشد غیر از اصول متری باشد چه از اینکه حاصل مقصود لایحه بزنند هیچ نتیجه ندارد این است که بنده این پیشنهاد را در نظر گرفتیم و با آقایان هم مشورت کردم و بجای ماده اول پیشنهادی تهیه کرده ام که ملاحظه فرمایند فرمود بعد اگر اشکالی باشد جواب عرض میکنم (صحیح است) توضیح بدهم.

رئیس - آقای دستي
دستی - اجازه میدهد آقای رئیس تجارت توضیحات خودشان را بدهند بعد بنده عرض کنم
الفس - پیشنهاد خوانده شود.
رئیس - مذاکرات باید ختم شود بعد خوانده شود.
آقای ملک مدنی
ملاحظه مایلی - موافق
رئیس - آقای ملک زاده
ملاحظه فرمائید
رئیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - این همان قانون سابق میشود اگر همان است که قبلاً مطرح بود (پاسخی) ماده هجدهم ماده سابق است) که مجلس با آن مخالف است اصولاً (صحیح است) مگر مردم مذاکره شد ماحلا که صدیم گرفتیم بر اینکه این اختلافات را در مقیاسها برطرف کنیم باید بر روی اصولی باشد که مطلق متعده دارند قبول میکنند

قرار بدیم و دیگر تغییر در آن ندیم

ولیس تجارت - مدعیانور که آقای دکتر طاهری فرودند اصول مترى این است که واحد مقیاس وزن کرام است ولی خود فرارسوی که سه سالها عمل کرده اند اخیراً در ۱۹۱۸ بر خوروند بانکه واحد مقیاس باین کچکی خوب نیست و اسباب زحمت است و واحد مقیاس وزن را کیلو کرام فرار دادند پس چیزی را که دیگران تجربه کرده اند ما حالا نباید دیگر از سر بگردیم ببلاده واحد مقیاس اگر یک چیزی باشد که بیشتر مورد معامله واقع شود بهتر است (صحیح است)

ولیس - آقای ثقة الاسلامی نظری دارید ؟

ثقة الاسلامی - بل بنده بآن پیشنه ای که آقای افسر کردند موافقت فقط سه کیلو را بکنم قرار دادن مخفتم برای اینکه دیگر اصلاً اسم من در کار نباشد مثلاً در آذربایجان من هزار مثقال اگر من هزار مثقال آنجا را که بموجب قانون سه کیلو میشود یا من این جا سه کیلو باشد این برای صادرات مملکت آذربایجان یک مفرات عظیمی تولید میکند آنجا من تبریز ۵ کیلو است فقط با کیلو معین کنند و من دیگر فرار دهنده در مملکت واحد کیلو باشد والا آذربایجانها ۵ کیلو را معین میکنند طهارتیا سه کیلو را این باز اسباب زحمت و اول اختلاف است و همان کیلو کرام باشد و من لازم نیست باشد

مخیر (طهارتچی) - عرض کنم مقیاسات ما اصول سیستم متریک است و واحد هم کیلو کرام است فقط این از برای تسهیل است برای اینکه اجزای ماده وزن رسمی لازم است تا برسیم بانجا و اینکه فرمودید در آذربایجان من هزار مثقال است یکی از نظرها این است که در تمام جا ما متحدالشکل و من یک جور باشد و این یکی از نقطه نظرهای این قانون است و این برای صادرات هم من نیست که فرمودید برای اینکه اگر هزار مثقال باشد مال تجارتها همان هزار مثقال را میدهد اگر کشنده و چهل مثقال باشد همان را میدهد

و یک سیستم متریک است که پایه و بنیانش بنای علم است و اینجا هم مکرر مذاکره شد در فراکبون هم مذاکره شد و جلالهم باین ماده که در قسمت اول در خدمت وزن نوشته شده است چون این طرز اشکال را وقع نداشت بهتر این است که چنانکه وعده هم دادند آقای نیکل اجازت موافقت کنند که اصولاً همان سیستم متریک را قبول کنند (دشمن) - حالا موافقت کردمان آقای افسر پیشنه کرده اند (وا) این جهت مذاکره در این ماده لزومی ندارد

ولیس کل تجارت - چون بنده در جلسات گذشته حس کرده بودم که اکثر آقایان متمایلند باصوول متریک و در هیئت دولت هم که مذاکره کردم هیئت دولت هم موافقت کردند که همانطوریک منظور آقایان است بشود و نظر هیئت دولت این است که در حضرت والا شاهزاده افسر پیشنه کرده اند که بجای ماده اول پیشنه ایشان مطرح شود که واحد مقیاسها روی اصول مترى نوشته شود ولی بانی چیزها سر جای خودش محفوظ است

ولیس - پیشنه آقای افسر قرائت میشود:

ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی مملکت ایران مطابق اصول مترى بوده و واحد آنها برای طول متر برای سطح مترمربع برای حجم متر مکعب و برای وزن کیلو کرام است اشخاص و اجزای مقیاسهای مزبور مطابق اصول مترى خواهد بود

تبصره ۱ - دولت میتواند وزنه هائی با مقیاس بااصوول مترى از قبیل من (معادل سه کیلو) و سیر (معادل ۷۵ کرام) تهیه نماید

تبصره ۲ - کلیه اوزان و مقیاسها باید دارای علامت مخصوص دولتی باشد

ولیس - اشکالی نیست ؟ آقای دکتر طاهری **دکتر طاهری** - بنده بکوشم خودم که واحد مقیاس وزن کیلو کرام است پس چرا کرام نکنیم ؟ (دشمن) - کرام اجزاء جزئی است (آقا) - اگر حالا ما سیستم متریک را قبول کنیم صحیح تر قبول کنیم و واحد را همان کرام

فرهنگ - آقایان که بایشهاد آقای افسر که دولت و مخیر بجای ماده اول قبول کرده موافقت دارند قیام فرمائید (اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد - ماده دهم قرائت میشود: ماده دوم - طرز تهیه اوزان و مقیاسها مقرر در این قانون و انتشار آن در مملکت و همچنین تهیه اوزان و مقیاسها و جلوگیری از استعمال اوزان و مقیاسهای تقلبی و سایر شرایط اجرای این قانون بموجب ضابطه های مخصوصی که بتصویب هیئت دولت رسیده باشد مقرر می شود

ولیس - دولت می تواند لای الاقضاء برای اصلاح قیام و تراژد مقرراتی وضع نماید

ولیس - مخالی نیست ؟ (خیر) موافقت با ماده دوم قیام نمایند

(اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد - ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - اداره کلیه تجارت مکلف است اوزان و مقیاسهای مورد احتیاج هر محل را بنده کفایت تهیه و در دسترس اهالی آن محل فرار داده و لائق دوباره قبل از اجراء باذخ اجرای آنرا باطلاع عامه برساند **ولیس** - موافقت با ماده سوم قیام فرمائید (اغلب برخاستند)

ولیس - تصویب شد - ماده چهارم قرائت میشود: ماده چهارم - پس از اجراء این قانون در هر محل هر کاتب و تاجر که دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و یا هر کسی یا اوزان و مقیاسهای تقلبی داد و ستد کند به حبس تأدیبی از یک روز تا ۱۵ روز و در صورت تکرار تا سه ماه محکوم خواهد شد ببلاده اوزان و مقیاسهای تقلبی نیز ضبط می شود

ولیس - آقای مؤید احمدی **مؤید احمدی** - بنده در شور اول هم عرض کردم خوب است که این مجازات را مطابق ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی قرار بدهند که یک ماده است برای کلیه تخلفات از نظامات دولتی و مجازات آن از یک روز حبس است تا

پنج روز و مجازات فاقدی آن از یک تومان تا پنج تومان ولی البته در صورت تکرار و اوقات و عقیدت این است که چون این تماس دارد با ما هم مردم در بعضی موارد تفرقه و فقیات و البته هر چه حبس کمتر باشد بهتر است و اگر موافقت فرمائید که همان ماده که در قانون مجازات عمومی است برای این قبیل موارد مقرر شده است در این مورد اجرا شود بهتر است و این را مشمول همان ماده بکنند

مخیر کمسیون اقتصاد ملی - عرض کنم که این ماده که فرمودند در بعضی نظامات دولتی و تخلفات از آن که در قانون مجازات عمومی است عرض میکنم که این چون آقا رسیده است و موافقت با این و اشخاص باید نتیجه زحمت خودشان را نتیجه زندگانی خودشان بدهند و آذوقه تهیه کنند و همیشه زندگانی کنند البته بنده تصور میکنم در اینجا اگر یک قدری مجازات شدیدتر باشد بهتر است و آنهم باین اندازه که در این جا نوشته شده است بهتر است و خوب است موافقت فرمائید

شرعی نخواهد داشت - در لایحه قبلی چنانچه در نظر داشته باشید در شور اول که گذشت این را تقلیل دادند ناشر دوم بیاورد روز (از یک الی بانه روز) تقابل داده شد عرض شد قبضه یک طوری است همانطور که خوردن هم فرمودید از طرفی زیاد با مردم تماس دارد و از طرفی هم قبضه باندجه زحمت اشخاص و زندگانی و همیشه مردم داد و ستدشان تماس دارد و اگر درست توجه فرمائید این یک نوع دزدی است آقا و البته باید مجازاتش شدیدتر باشد از اینکه فرضاً حبس گفته اند که آقا از دست واست برآوردست چه رفته خلاقی مرتکب شده بقریب فرمائید خیلی با هم فرق دارد

ولیس - آقای فرهنگ **فرهنگ** - عرض کنم که بنده نظرم هست در کمیسیون مذاکره شد که در صورت تکرار تخلف تا دو ماه حبس میشود و خود آقای ولیس تجار هم موافق بودند و کمان میکنم در سطح اشباه شده و سه ماه نوشته شده است

و تصور میکنم با موافقتی که آقای رئیس تجارت دارند این را اصلاح کنند

دبایس کل تجارت (آقای باسانی) - عرض کنم که بنده مخالف نیستم که پیشنهاد ایشان برآمدن که سه ماه دوام بدهد ولی در اینکه حبس تغلب در اوزان و مقادیر باید حبس آفندی باشد - تردیدی نیست و این غیر امور خلافی است این را آقایان نباید از نظر دور داشته باشند زیرا اشخاصی که اوزان تغلبی بکار میبرند این یک نوع سرقتی است سرقت که دیگر یک نمونه خصوصی ندارد هر چه که در تحت این عنوان در آید باید مجازات داشته باشد و متخلف هم باید شدیداً مجازات بشود (صدیغ است) اما آنست که فرمودند پیشنهاد بنده باشد بنده هم موافقم اگر آقایان موافق باشند که سه ماه جاها بشود

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم که یک توضیحی بدهند که مراد از اوزان تغلبی چه چیز است آیا مقصود کم دادن و زیاد برداشتن است که البته این از دزدی است و باستانی مجازات شود ولی در مقصود این است که غیر از آن اوزان رسمی که مارک دولت دارد استعمال کنند مثلاً سنگ بگذارند که همان وزن سنگ دولتی باشد اینهم تغلب است و باید مجازات بشود یا غیر؟ اگر این است که خیلی باید تفاوت داشته باشد با سرقت و دزدی مثلاً در فلان دهی اگر فرضاً آن وزنی که ریخته فروخته نباشد آن را نداشته باشد و یک سنگ آهنی بگذارند مطابق آن وزنه قانونی بطوری که از وزنه رسمی کم ندهد زیاد هم بر ندارد این شخص با کسی که زیاد بردارد و کم بدهد باید فرق داشته باشد و به بقیده بنده باید تصریح شود که مراد کم دادست که اگر از وزن رسمی و معمولی تغلف کرد و کم یا زیاد شد (عدله از زمانها بگذران - زیاد دیگر نه) چرا زیاد گرفت مختلف مجازات شود

مهیگر - عرض کنم چون فرمودید توضیح داده شود مراد همان است که اگر غیر از آن سنگ رسمی

رئیس - آقای فرشی

که مارک دولت دارد غیر از آن سنگ یا هر سنگ دیگری داد و ستد کرد این تغلبی است و اما اینکه فرمودند در یک دهی باشد سنگ این را توجه فرمایند درماد قبل می نویسد که قبلاً اداره تجارت باید بقدر احتیاج هر محل سنگ تهیه به بیند و لاقط دو ماه قبل اعلان بدهد و حاضر کنند و در این ماده هم هست که پس از اجرای این قانون در هر محل - بنا بر این در هر جاایی که اجرا شده باشد این قانون این فرض هیچ موردی باقی نمیکند و در هر جاایی که سنگ داده باشند آن مناطقات است و اما اینکه فرمودید باید تفاوت داشته باشد بنده نمی خواهم با این فکر مخالفت کنم ولی اگر در هر جاایی بخوانیم اینطور و روی این اصل که فرمودید رفتار کنیم که با هر سنگی که خوششان میخواند داد و ستد بکنند این نمیشود برای اینکه خوب بپویند یا مشتری موافقت داشتند که از روی همین سنگ بروش و اومیکوبد نکنند بود و تازه اول اختلاف است و باید برود به یک عکمه و عرض کنم آنوقت منظوریم هم که ما داریم از برای توجیه اوزان و مقادیر بدهد نمی آید و به نتیجه نمیرسیم زیرا منظور دولت و مملکت اینست که در تمام ممالک اوزان و مقادیر یکی باشد و اگر بخوانیم اجازه بدهد که غیر از سنگ رسمی سنگ های دیگری بکنند ابتدا آن نتیجه گرفته نمیشود و دیگر هم مجازات خیلی شدید نیست و بلکه برای جلب توجه اکثریت مجلس هم خیلی در مجازات تخفیف داده شده است در صورتیکه این عمل با یک سنگ دزدی است و تغلب و سرقت است و باید بیش از این مجازات شود

رئیس - آقای فرشی

فرشی - عرض بنده در ماده چهارم راجع به آقایان تغلبی و استعمال آنها است (عدله از زمانها بگذران - آقا بنده نمی نویسم) که می نویسد اگر سنگ قاپ استعمال کند از یک تا پانزده روز و در صورت تکرار تا سه ماه حبس می شود ولی این جا توضیح نداده اند که مقصود از قاپ چیست؟

بگذریم این است که بموجب این قانون در موقع اجرا واحد مپاسن ما کیلو است و اجزاء و اضافات تری را قبول کردیم آنوقت آندهم برای آشنایی مردم به کیلو را تطبیق کردیم باین که تریزیشی چون مردم آشنا نیستند باستانی نامند تطبیق کنند و این ممکن است در سایر جاها هم با سایر وزنها که معمول است تغییر پیدا کند مثلاً من چندین شهر تریز هزار مثقال است و من معمولی تریز ۱۶۰ مثقال است و با این حساب من تریز که سه کیلو است من چندینش زیادتر می شود ممکن است پنج کیلو بشود و فردا ممکن است این پنج کیلو را یک من حساب کنند و در آن جا معمول پانزده مثقال است این جا سه کیلو را روی حساب من تریز ۶۸ مثقال خوب اگر قلاب این است و قلاب این است که این خیلی آریاب زحمت می شود و همه خواهند رفت بسببیکه جزا میگویند این پنج کیلو را با سه من فروخت و این قلاب محسوب می شود با آن یکی چهار کیلو را یک من این را بنده مخالف هستم ولی اگر قلاب راجع باین است که ۹۰۰ گرام در دعووش هزار گرام استعمال کند این قلاب است و این صحیح است و این باید توجیه شود که در موقع اجرا قانونی ما که متأسفانه هم خوش نیستند اینها را قلاب فرض می کنند در همانا باین حساب چهار کیلو یک من آنوقت می آید چهار کیلو را یک من حساب می کنند این قلاب نیست قلاب باستانی توضیح داده بشود که مقصود از آن چیست مقصود این است که مثلاً ۹۰۰ گرام را بجای ۱۰۰۰ گرام بدهد این قلاب است بنا بریکه سه کیلو را بن تریز در این جا و پنج کیلو را و بن تریز در تریز و چهار کیلو را در همان جا و همینان بدهد این را باید توضیح بدهند که بد آریاب اشکال نبود

رئیس کل تجارت - عرض میشود فرمایش حضرت آقای فرشی مطابق آنکه توجه کاملی بدهد اول در موقش فرموده است بی تحقیقاتی که شده در تمام ممالک بود و چند رقم (الرئیس - ۲۵۰ رقم) وزن مختلف وجود دارد و تمام آنها باید در نتیجه این قانون از بین برود می خواهد در تریز می خواهد در طهران می خواهد در همدان بدهد که با وقی حاضر شد تمام آنها را

رئیس - خبر کافی نیست بنده مخالفم و تکالیف همایم

رئیس - فرمایند

داده شود و اگر دگوش بدهید تصدیق می فرمایند که حق با بنده است و آن مسئله اکیل است در خیلی از جاها با کیلو مردم معامله می کنند در سرخرنها و اینها با باستانی

اینها مستثنی باشند یا اینکه همانطور که دولت نوشته است
 همین می کند برای آنها هم وزن و شکی همین می کند
 و الا اگر اظهار باشد آنها هم اوزان تلقین مستثنی
 می شود - با غیر کابل های مخصوص این می کند و
 همین می کند بن در عایا و مالکن و این ها. مثلا صد
 خرد کردم را با کابل سلسله می کند خوب بدهد آنها
 هم تلقین محسوب می شود با وزن برای آنها همین می شود
 در هر صورت طوری نباشد که مردم بی حمت و پخته اگر
 آنها را می خواهد آزاد بگذارید که باید در مجلس قید
 شود و با اینکه برای آنها هم می خواهد مثل سایرین سنگ
 همین کنید آندامه توضیح بدهید تا تکلیف مردم در این
 قبیل موارد معلوم شود و مجمل نامند مطلب

رئیس کل تجارت - عرض کنم که برای مکالمه در
 خرم با اگر یک روزی دولت موفق شد و رسیدگی
 که بنام دولت و نمایان و دهائیان بجهاند که توجیه اوزان
 و مقادیر اولادش چیست ممکن است مقرراتی هم وضع
 بکنند که کابل چطور است بنا براین حالا موقع آن وقت
 نیست

الحیر - هر آزادیست با این توضیح.
کتابی - صحیح است.

رئیس - حالا کافی است ؟ آقایانیکه مذاکرات را
 کافی میباشد قیام فرمایند (اگر قیام نوندند) خوب
 شد. پیشنهادی از آقای فرزند رسیده است قرائت
 می شود:
 پیشنهاد بیکم بید اولکمه دیوروت تکرار نوشته شود
 تا دوام

رئیس کل تجارت - بل بنظر دولت خوب نیست
 نمی کند. بنده موافقم
رئیس - آقای مخبر.
مخبر - بنده هم موافقم.

رئیس - پیشنهادی از آقای استخامزاده رسیده است
 قرائت می شود:
 پیشنهاد بیکم عبارت ذیل به آخر ماده چهارم اضافه
 شود: هر کسب و تاجریکه با اوزانی غیر اوزان مذکور
 در ماده فوق داد و ستد کند مجسب از یک پلتا آن روز یا

بلاوه نازم با این نظر حضرت عالی ما یک معاهده
 می خواهیم که این را تحصیل کند و اگر بنا بشود این کار
 قبول کنیم در تشخیص این عمل دچار اشکال می شوند
 و اصل مقصود از این می رود و غیر عملی می شود
 (صحیح است) و هر کس هر روزه را که می خواهد
 استعمال میکند و بیکوید غیر این تلقی نبوده است و
 اسباب زحمت می شود و بنده نمی توانم این پیشنهاد را
 قبول کنم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای استخامزاده را قائل
 توجیه بیدانند قیام فرمایند
 (عده قبلی قیام نوندند)

رئیس - لعل توجیه نند. پیشنهاد آقای فرزندزاده
 پیشنهاد بیکم دیوروت ساختن و استعمال وزنه های تلقی
 مرتکب پیشنهادت چطور مهر دولتی محکوم شود

شریعت زاده - بنده این پیشنهاد را کردم برای
 اینکه مطالبی را که دارم بر عرض مجلس برسانم و جنبش
 هم این بود که در موعول مذاکره در ماده هفتم بنده رسیده.

عرض کنم که در این ماده مجازات برای استعمال اوزان
 تلقی معین شده است در صورتیکه این جا دو مطلب است
 یکی استعمال وزنه تلقی یکی هم ساختن وزنه تلقی
 و باید بین این دو تمیز کرد اگر کسی وزنه دولتی را
 که مالک و مهر دولت را دارد بسازد این در حکم جعل
 است دولتی یا امهار دولتی است و تکلیف این در قانون
 معین شده است - یکی هم در مورد کسائی که اوزان
 این اوزان ساختگی را استعمال می کنند در این مورد
 مجازات آنها منوط بعلم و اطلاع آنها است و الا اگر
 یک کسی وزنه تلقی را فرستد بدون اینکه مردم واقف
 بشوند و مردم آن را استعمال کنند و نمند اینها دیگر
 قابل مجازات نیستند. یک قسمت دیگر راجع است به
 استعمال وزنه های غیر دولتی ولی ساری با اوزان دولتی

در این صورت هم همانطور که همکار محترم من آقای
 استخام زاده تذکر دادند این مجازات خلافی است ولی
 اگر یک کسی وزنه غیر دولتی استعمال کرد و کم هم
 بود در این صورت کلا برادر است و باید مجازات کلا برادر
 بشود بنده این توضیحات را دارم که آقای رئیس تجارت

توجه فرمایند که بالاخره تاجری بن قوانین باشد
 بالاخره در مجازات او این مالکیتی نباید قانونی بن شان
 باشد اگر پل کسی مهر دولتی را ساخت و تقلید کرد
 مطابق قانون مجازات عمومی مجازات نمی شود و
 آری در آن جا مجازاتش معلوم شده است ؟
 (عده از نمایندگان - چرا) خوب آیا این کسی هم که
 این وزنه را که دارای مهر دولتی است تقلید بکند و
 بسازد این جعل یا نه من نمی دانم ؟ این است ؟ اگر نیست
 که باید مستثنی بشود باید توضیح بدهد که این مطلب
 دیگری است و اگر غیر از این است باید توضیح بدهد
 که چرا عطف بقانون مجازات نند

رئیس کل تجارت - عرض کنم همانطور که فرمودند
 اگر کسی عیالت مخصوص سایر مخصوص دولت را
 جعل کند مطابق قوانین عمومی این مجازات نمی شود
 فقط چیزی که این جا منظور نظر است این است که اگر
 تاجر یا کسی اوزان قاب داشته باشد مجازات می شود
 بجز کسب و تاجر سایرین هم اگر اوزان و مقایسه شده
 تلقی بکار بریند مجازات می شود و در این ماده گفته شده
 است هر کس با اوزان تلقی دادوستد کند یا هر کسب
 و تاجری که دارای اوزان و مقایسه های تلقی باشد مجز
 است (شریعت زاده - خوب او چه می ماند) و باید
 مجازات شود برای اینکه اوزان تلقی دو دکان صاحب
 بقال است می خواهد بری چه ؟ جز اینکه می خواهد مقابل
 کند و بکار برود این است که داشتن اوزان برای شان
 جرم است و الا اگر کسی نوی خاصش یک سنگی
 از قدیم هست خوب آنجا هست و اما در قسمت جعل
 و ساختن آن البته تابع مقرراتی است که در قانون
 مجازات عمومی است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد شریعت زاده را
 شریعت زاده - بنده استرداد میکنم.

رئیس - آقایانیکه با عاده چهارم موافقت قیام
 فرمایند (اکثر قیام نوندند) تصویب شد. ماده پنجم
 قرائت می شود.
 ماده پنجم - قانون مصوب دهم خرداد ۱۳۰۴ شمسی
 ملغی است

رئیس - آقای طباطبائی دیا
طباطبائی دیا - در کتب قوانین تاریخ برای
 اجرا مبین می شود ولی در این قانون مبین نشده که از
 چه وقت اجرا می شود؟ در صورتیکه یا باید مبین باشد
 یا موکول شود بفرمانت عمومی که در قانون مدنی
 مصرح است

مخبر - عرض کنم که در ماده سوم پیش بینی شده
 است که تاریخ اجرای این قانون از چه وقت است زیرا
 اگر نمی نویسند اداره کل تجارت مکلف است اوزان و
 مقیاسهای مورد احتیاج هر محلی را بحد کفایت تهیه و
 در دسترس اهالی آن محل قرار داده و لا اقل دو ماه
 قبل از اجراء تاریخ اجرای آن را با اطلاع عامه برساند.
 (طباطبائی دیا - از کی؟) (آسر - از هر وقت
 می خواهید این یک چیزی نیست که امروز فوراً در
 تمام مملکت اجرا شود این وسائل لازم دارد تهیه اوزان
 و غیره وقت می خواهد و در ماده سوم هم مبین شده و
 چندین بار در تمام مملکت اجرا می شود اشکالی هم ندارد
 (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه با ماده پنجم موافقت فرمایند.
 (عده زیادی برخاستند)
رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه از آقای روس
 رسیده است قرائت می شود:
ماده الحاقیه

این قانون پس از یکسال از تاریخ تصویب در طهران
 و پس از دو سال در سایر ولایات و ایالات اجرا خواهد
 شد

دوخی - عرض کنم که بشاطر دارم در
 دوره پنجم یک قانونی برای توحید اوزان و مقادیر از
 مجلس گذشت و حالا در دوره هفتم است و هنوز
 اجرا نشده و آقای رئیس کل تجارت آمده اند و
 قانون جدیدی پیشنهاد کردند و باین اسراری که ایشان
 دارند که حتی در پایان مجلس هم که چند روز پیشتر
 باقی نمانده می آید و وقت خودشان را صرف میکنند
 این قانون خوب دیگر در معانی نقلی نماند این

است که خواستم عرض کنم که این جور ماده که در آن
 قانون بود خوبست دولت آن را در نظر بگیرد و این
 اوزان فعلی را با کسر یک عشر یا دو عشر هر چه ممکن
 است آنها را قبول کند یا یک قیمت عادلانه و این وزنه های
 جدید را بدهند (صحیح است)

رئیس کل تجارت - دولت هم تقریباً همین نظر را
 دارد و در نظرنامه که پشت دولت خواهد نوشت این منی
 نامین خواهد شد منی نه اینکه قید بشود که مثلاً دو
 تا یک یا یک تا یک منی بشود البته باید این اوزان
 و وزنه های باشد که قابل این باشد که دومرتبه خوب بشود و

دوخی - استرداد میکنم.
رئیس - مذاکره در کلمات نمی است. مخالفی
 نیست؟ آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده می خواهم یک تذکری بدهم
 در قانون سابق که حالا مافی شد یک ماده بود که دولت
 مکلف است اوزان فلزی موجوده را قبول کند و با کسر
 سه عشر وزن جدید بدهد بنده که قبلاً اجازه خواسته
 بودم برای این بود که می خواستم این ماده را در این قانون
 جا بدهند ولی موقع رسید و حالا می خواهم عرض کنم
 که لازم است این ماده را دولت در نظر بگیرد زیرا که
 این وزنه های جدید را خوب ماکه نمی دانیم قیمتش
 چقدر است ولی حتماً یک قیمتی است که حتماً همه کس
 استعانتش را ندارد مثلاً برود تازه تومان فلان کاسب
 قصب بدهد سنگ جدید بخرد این که بنده قبلاً هم
 عرض میکردم که باید یک قانونی قائل شوند مابین این
 اوزان سابق که اگر صحیحاً آنها را استعمال کنند و
 تطبیق کنند با اوزان جدید یک تفاوت مبین شود فلان
 بقال یا عطاری سر کوجه که سرمایه اش پنج تومان است
 حالا باید بیاید این وزن را بخرد پول ندارد خوب
 نمی تواند توانست باید برود حبس تکلیفش چیست این

وزنه جدیدی ساخته شود و البته رعایت خواهد شد.
(صحیح است) (کافی است)
رئیس - آقایانی که با مجعده این قانون موافقت
 دارند قیام فرمایند (اگر برخاستند) تصویب شد
(موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)
رئیس - اگر اجازه بفرمایید جلسه را ختم میکنم
(صحیح است) جلسه آینده سه شنبه ۳۰ ماه ساعت
۷ بعد از ظهر دستور لایح موجوده
(مجلس ساعت پانزده و نیم بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادرگر

قانون

مجازات مستخدمین فتوئی که برخلاف حقیقت راپورت می‌دهند

ماده واحده - هر یک از صاحب‌امتیاز قلمی و هم‌دینان آنها ویا اعضاء و مستخدمین دوائر و قسطنطنیه فتوئی راپورتی برخلاف حقیقت به‌نام مافوق تقدیم نماید و یا جریانی را مستور داشته و یا اطلاع مقام مافوق نرساند و یا حقایق را پرده‌پوشی کرده و راپورت آن را با تقیر ماهیت قضیه به‌نام مافوق تقدیم کند و یا سعی نماید که حقایق بطور ناقص با اطلاع مافوق برسد بطریق ذیل مجازات خواهد شد:

(۱) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی بوده و موجب اتلاف نفس شود مقرر به حبس مؤبد با اعمال شاقه محکوم می‌شود و اگر اقدام با عدم عمدی که منجر به محکومیت به مجازاتی غیر از اعدام شود مقرر به همان مجازاتی که برای محکوم مزبور مقرر شده است محکوم خواهد شد لیکن اگر بعداً در نتیجه کشف حقیقت مجازات محکوم مزبور اجرا نشود به مجازاتی که برای مقرر مقرر شده است یک درجه تخفیف داده خواهد شد در صورت تعدد محکومین مجازات مقرر شدیدترین مجازاتی خواهد بود که برای یکی از آنها مقرر شده است

(۲) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی بوده و منجر با اتلاف مال شود مقرر به حبس با کار از یک تا سه سال محکوم خواهد شد

(۳) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی بوده و هیچیک از نتایج فوق را نبخشد مقرر به حبس عادی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود

(۴) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی نبوده ولی منجر به محکومیت دیگری گردد مقرر به حبس عادی از هشت روز تا دو سال محکوم می‌شود بدون اینکه مجازات او بتواند از مجازات خود محکوم بیشتر گردد مگر اینکه محکومیت غیر با اعدام یا حبس مؤبد یا اعدام شاقه باشد که در ایضاً مجازات مقرر حبس با کار از دو تا پنج سال خواهد بود

(۵) - اگر اقدام یا خود داری از اقدام عمدی نبوده ولی منجر به اتلاف مال شود مقرر به حبس عادی از هشت روز تا شش ماه محکوم می‌شود

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی دید.

قانون

اوزان و مقیاس‌ها

ماده اول - اوزان و مقیاس‌های رسمی مملکتی ایران مطابق اصول متری بوده و واحد آنها برای طول متر - برای سطح متر مربع - برای حجم متر مکعب - و برای وزن کیلو گرام است اصناف و اجزاء مقیاسهای مزبور مطابق اصول متری خواهد بود

نیمه (۱) - دوک می‌تواند وزنه‌هایی با مقایسه با اصول متری از قبیل من معادل (سه کیلو) و سیر معادل ۷۵ گرم تهیه نماید

نیمه (۲) - کایه اوزان و مقیاسها باید دارای علامت مخصوص دولتی باشد

ماده دوم - طرز تهیه اوزان و مقیاس های مقرر در این قانون و انتشار آن در مملکت و همچنین تفتیش اوزان و مقیاس ها و جلوگیری از استعمال اوزان و مقیاس های تقلبی و سایر شرایط اجرای این قانون بموجب نظامنامه های مخصوصی که بتصویب هیئت دولت رسیده باشد مقرر میشود

تبعیه - دولت میتواند لای الاقتضا برای اصلاح قبان و ترازو مقرراتی وضع نماید.

ماده سوم - اداره کل تجارت مکلف است اوزان و مقیاس های مورد احتیاج هر محل را بقدر کفایت تهیه و در دسترس اهالی آن محل قرار داده و لااقل دو ماه قبل از اجراء تاریخ اجرای آن را با اطلاع عامه برساند

ماده چهارم - پس از اجراء این قانون در هر محل هر کاسب و تاجری که دارای اوزان و مقیاس های تقلب بوده تا دو ماه محکوم خواهد شد بهلاوه اوزان و مقیاس های تقلبی نیز ضبط می شود

ماده پنجم - قانون مصوب دهم خرداد ۱۳۰۴ شمسی ملغی است

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه هجدهم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب

مجلس شورای ملی رسیده
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر